

قصه هفت دختر و نون

از قصه های فولکلور

سید ابوالقاسم هاشمی

سرشناسه: هاشمی، سید ابوالقاسم، ۱۳۵۵-
 عنوان و نام پدیدآور: قصه هفت دختر: از قصه‌های فولکلور / سید ابوالقاسم هاشمی.
 مشخصات ناشر: لامرد، نشر ایراهستان، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۵۰-۳-۹
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتاب حاضر بازنویسی یک افسانه‌ی قدیمی ایرانی است.
 موضوع: داستان‌های فارسی-قرن ۱۴
 موضوع: افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ عتی ۵۲۵۷ / الف PIR۸۲۲۹
 رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲ [ج]
 شماره کتابشناسی ملی: 3042859



انتشارات ایراهستان: فارس، لامرد - ۹۱۷۳۸۲۷۰۰۲
 irahestanpub@gmail.com

مؤلف: سید ابوالقاسم هاشمی
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱
 قیمت: ۲۷۰۰ تومان

نام کتاب: قصه هفت دختر
 ناشر: انتشارات ایراهستان
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد



شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۵۰-۳-۹

مقدمه:

ای برادر قصه چون پیمانه است معنی اندر آن به سان دانه است
دانه معنی بگیرد مرد عقل نگیرد پیمانه را چون گشت نقل
افسانه و داستان تاریخی همزاد با انسان دارد شروع خلقت انسان و
آدم در قرآن کریم با داستان آغاز شده و بخش عظیمی از این کتاب
آسمانی به قصص اختصاص یافته تا آنجا که داستان حضرت یوسف را
احسن القصص نامیده است افسانه‌ها و داستان‌ها به فرهنگ یک جامعه
وابسته است و ارتباط زیادی با ایدئولوژی آرمان‌ها نگرش و اعتقادات آن
جامعه دارد از این رو با مطالعه‌ی افسانه‌ها از لایه‌های می‌توان به
این ارزش‌ها و مفاهیم دست یافت به تعبیری افسانه‌ها خوابی است که یک
ملت با هم می‌بینند آن هم در بیداری پس همان گونه که خواب‌ها تعبیر
می‌شوند افسانه‌ها نیز تفسیر می‌شوند.

در دیار فرهنگ پرور ما علامرودشت نیز افسانه‌های دلنشین رایج
بوده که نقل آن نقل و شیرینی مجالس شبانه قدیمی‌هایمان بوده است.
آنجا و آنگاه که مردان ستر و نستوه از کار و تلاش روزانه فارغ می‌شدند

گوش و جان خود را به ترنم این داستان‌های حکمت انگیز می‌سپردند و روح و روان خویش را صفا می‌دادند. حقیر نیز به خاطر وجود ذی جود مادری مهربان و حکیم از این نعمت برخوردار گشتم و شیرینی این حکایات را همراه با نوازش‌های مادر و دامن پر مهر و عطوفت او با اعماق وجود حس کردم و بر آن شدم که با نوشتن این حکایات و افسانه‌ها که شفاهی و سینه به سینه میراث گذاشته شده آنان را به نسل جوان و آینده این مرز و بوم انتقال دهم چه بیم آن می‌رود در لابه لای چرخ شتابنده زندگی ماشینی امروز این قد پارسی به بوته فراموشی سپرده شود.

داستان هفت دختران را در سال ۱۳۷۰ شروع کردم و با همان سواد و بضاعت نوجوانی طرح آن را گه زدم و بنا به دلایلی اکنون به باز آفرینی و بازنویسی آن پرداختم. در این روایت سعی شده تمام طرح و ظرفیت اصلی داستان حفظ گردد. فقط در مواردی جرح و تعدیل شده است. امید است که این امر قرین توفیق و عنایت باری تعالی و مورد رضایت خوانندگان محترم واقع گردد.

از آنجا که این نخستین افسانه از مجموعه افسانه‌های دیار من علامرو دشت است از نظرات کارشناسانه صاحبان ذوق و هنر کمال استفاده را در ارتقا و تصحیح مجموعه‌های بعدی خواهم برد از فرهیختگان تقاضا دارم حقیر را از نظرات خویش بهره‌مند سازند.

ای فسانه فسانه فسانه	ای خدنگ تو را من نمانه
ای دواى دل ای مرهم درد	همره گریه‌های سبانه

سید ابوالقاسم هاشمی

دی ماه ۱۳۹۱